

بسم الله الرحمن الرحيم

پس از انتشار مقاله اولم پیرامون چهل سالگی انقلاب، نامه‌ای به دست من رسید که چون احساس کردم انعکاس خوبی است از فضایی که در برخی رسانه‌های داخلی و خارجی وجود دارد، ترجیح دادم پیش از ادامه بحث قبلی، به آن پاسخ دهم. رفیق عزیزی برای بنده نوشته است:

سلام بر آقای روحانی عزیز

از ارتباط با جنابعالی خوشحالم. فی الواقع دیدگاه شما در بین اطرافیان بنده کاملا متمایز است و در اکثر موارد متضاد. امیدوارم تا حد امکان بتوانم مقالات ارسالی را مطالعه کنم.

همانطور که قبلا هم در پاسخ یکی از مقالات شما جسارت کردم و عنوان کردم، واقعیت مهم در مورد لیبرال دموکراسی این است که بر پایه امکان نقد و اصلاح درونی شکل گرفته است. همان چیزی که حکومت‌های دیکتاتوری، ایدئولوژیک و توتالیتر از آن گریزانند.

فقط به نکته پایانی در خصوص اشتباهات نظام ماایلم اشاره کنم و مابقی موارد را به خصوص فتنه نامیدن جنبش آزادی خواهی و عدالت خواهی مردم و پیش قضاوت در مورد هرگونه حرکت اعتراض مردم در آینده نزدیک (فرمودید ۹۸) را به آینده‌ای نامعلوم موکول می‌کنم.

هرچند در این چند سال اخیر دموکراسی روزگار خوبی ندارد و روی کار آمدن پوپولیست‌ها و تقویت احزاب راست‌گرای افراطی در کشورهای دموکراتیک خبر از آینده‌ای نچندان خوشایند می‌دهد.

واقعیت این است که این نظام به قول شما مقدس تنها یک درس از اشتباهات خود می‌گیرد و آن تنگتر کردن کمر بند و چارچوب‌های امنیتی به دور جامعه و سرکوب بیشتر جنبش‌های مردمی است. متأسفانه تلاش زیادی برای حل موضوع و تغییر در رویه‌ها داده نمی‌شود.

کارگزاران نظام هم به همین شرایط عادت کرده‌اند. یعنی مثلا وقتی یک قانون مصوب می‌شود حتما باید برای فرار هم تبصره وجود داشته باشد. مثلا بخش انتصابی از اعمال قانون ممنوعیت بکارگیری بازنشستگان منع می‌شود و همه بازنشستگان دورق‌بچین سعی می‌کنند از طریق حکم حکومتی مجدداً به سرکار برگردند. از این طریق

بخش غیرخودی حذف و راه برای تثبیت بخش خودی فراهم می‌شود. طنز ماجرا، بازنشستگی جنتی پسر و تعداد بیشمار مسئولیت‌های بسیار کلیدی پدر است.

یا مثلاً در مورد مهمترین معضل نظام ج.ا که فساد است، همه سیستم‌های حکومتی دنیا از جمله ایران، آگاهند که تنها از طریق شفافیت رسانه‌ها و پاداش برای کسی که یک فساد را کشف کند، می‌توان تا حد امکان با این مسئله مقابله کرد.

اما در ایران بخش انتصابی و روئسای آن به شدت با شفافسازی و آزادی گردش اطلاعات برخورد می‌کنند. یا وقتی یک فاسد از این بخش از حاکمیت به تله می‌افتد در اکثر مواقع شامل رافت اسلامی می‌شود! نمونه آن برخورد با موسسات مالی فاسد که باعث خلق این حجم نقدینگی شدند و وضع اقتصادی کشور را به این وضع نابسامان رسانده‌اند.

استاد عزیز برای کسانی که نگاه نقادانه به وضعیت نابسامان حکومت دارند مثال‌های مستند بی‌شمار است و برای توجیه کنندگان حکومت نیز مغلطه فراوان. امیدی هم به این نیست که نظام با کارگزاران فعلی از اشتباهات بیشمار درس بگیرد. به نظرم دلیل آن هم مشخص است. زیرا ریشه اشتباهات به سنگ بنا و شالوده می‌رسد و حکومت نیک می‌داند اصلاح در این قسمت منجر به فروپاشی می‌شود مگر اینکه کارگزاران با ورود نخبگان کارشناس تعویض گردند و اصلاحات ساختاری ایجاد شود که آن هم زهی خیال باطل!

ضمناً نقد اصلاح طلبان را نیز زیاد جدی نگیرید و نگران موقعیت گرفتن اصلاح طلبان نباشید زیرا روند ناامیدی رو به رشد مردم باعث دلسردی از اصلاح طلبان و به قولی همان فتنه‌گران شده است.

فکر می‌کنم بهتر است بیشتر، نگران از دست رفتن این موقعیت اصلاح برای حکومت باشیم زیرا تا بحال ندیده بودم میزان دلسردی از اصلاح وضع و امید به فروپاشی به این میزان فراگیر باشد.

با عرض پوزش از به درازا کشیدن این مطلب پیشنهاد می‌کنم مقاله‌ای که اخیراً در سایت معاند و ضد انقلاب بی‌بی‌سی منتشر شده در خصوص وقایع دی ماه ۹۶ را مطالعه بفرمایید.

ایام بکام

برادر کوچک شما

پاسخ من به این نامه، در متن چراغ دوم آمده است.

سیدمحمدروحانی

۹۷/۱۰/۲۲